

"ابهام آگاهانه در مخزن الاسرار نظامی"

دکتر محتشم محمدی^۱

رسول زارع خفری^۲

چکیده

یکی از جستارهای تازه ادبی که در نیمه دوم سده بیستم میلادی در ادبیات جهان مطرح شد، ابهام (ambiguity) است. تعقیدی آگاهانه که نویسنده و بویژه شاعر در درون اثر خود می‌چیند تا خواننده را از گذری شتابان بازدارد و خواننده برای درک، وقت بگذارد.

امپسون در کتابش حتی راهکارهایی برای ایجاد این ابهام یا تعقید پیشنهاد کرده است و گروهی هم آن را به کار بسته‌اند. واقعیت این است که این مطلب در ادبیات و بویژه در شعر فارسی وجود دارد و حتی درباره‌ی آن بحث شده است. نظامی گنجوی بیشترین کاربرد آگاهانه‌ی ابهام را در کنار خاقانی دارد.

این پژوهش تلاشی است در شعر نظامی گنجوی در منظومه‌ی مخزن الاسرار که بیشترین میزان ابهام آگاهانه در شعر نظامی را دربردارد. این مقاله همچنین در پی اثبات نظریه‌پردازی نظامی در این زمینه است و مدعی است که این نکته‌ی ادبی و کارکرد او در شعر فارسی به زمان نظامی بازمی‌گردد.

واژگان کلیدی: ادبیات فارسی، شعر فارسی، نظامی گنجوی، مخزن الاسرار، ابهام، امپسون

مقدمه

ابهام از جستارهای تازه ادبی است که در قرن بیستم در ادبیات جهان مطرح شد. البته باید میان کلمه ابهام به معنای چند معنایی و آنچه شاعر در اثر خود قرار می‌دهد تا خواننده را از گذری شتابان باز دارد با آنچه تعقید و اغلاق نامیده می‌شود و به دلیل اشکال در ساختار و شیوه ایراد سخن توسط شاعر است تفاوت قایل شد.

نظامی از شاعرانی است که توجه ویژه‌ای به متفاوت و غریب سخن گفتن دارد و به همین دلیل اشعار او دارای یک ابهام خاص است که شعر او را از آثار دیگر شاعران متمایز می‌کند. آنچه به نظر او پسندیده می‌آمده و تلاش داشته است شیوه‌ای غریب را در شعر و شاعری بنیان نهد.

درباره ابهام مقالات متعددی نگاشته شده است اما در مورد ابهام در شعر نظامی و انواع ابهام او کمتر سخنی به میان آمده است از زمانی که ابهام حسن شمرده شد تا کنون افرادی از جمله امپسون در هفت ابهام خویشو فرشیدورد درباره ادبیات و نقد ادبی به معرفی هفت نوع ابهام پرداختند که اولی به شیوه‌های ایجاد و دومی به دلایل بوجود آمدن ابهام که بیشتر با شعر فارسی تطابق دارد سخن گفته‌اند. همچنین آیتی در مقدمه گزیده مخزن الاسرار به پیچیده گویی وی در حد معما اشاره می‌کند. (آیتی، ص ۱۱ مقدمه)

درباره نظامی

نظامی در گنجه در سرزمین اران در حدود سال ۵۳۵ به دنیا آمد (زرین کوب، ۱۳۷۴، صص ۱۵-۱۴) وی در جوانی علوم مختلف زمانه را می‌آموزد و در آثارش که از موضوعات مختلف علمی از جمله نجوم، کیمیا، رمل، اسطرلاب، فلسفه و ... یاد می‌کند (همان، ص ۱۶) نشان از آگاهی وی از این علوم دارد وی در ایام جوانی به عزلت و گوشه نشینی روی می‌آورد که دلیل عمده آن علاقه به زهد و ریاضت و عشق به مطالعه و تفکر بوده است. (همانجا)

نظامی علاقه چندانی به سفر نداشته و کمتر از شهر خود بیرون رفته است حتی به دربار پادشاهان مراجعه نمی‌کرده است مگر در صورت درخواست حاکم. نظامی به ستایش پادشاه زمانه پرداخته و وی را در عدل و انصاف ستوده است.

mohtasham@kazerunfsu.ac.ir

rzkh64@gmail.com

^۱ - استادیار زبان و ابیات فارسی و عضو هیئت علمی دانشگاه سلمان فارسی کازرون

^۲ - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و مدرس مدعو پیام نور ممسنی (نویسنده مسئول)

نظامی در حدود سال‌های ۶۱۴ بدرود حیات گفت (صفا، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۰۱) در حالی که پس از منظومه مخزن‌الاسرار که کتابی تعلیمی و پند آموز بود به نظم داستان‌های عاشقانه و حماسی پرداخته بود و پنج گنج را تالیف کرده بود.

درباره مخزن‌الاسرار

مخزن‌الاسرار اولین کتاب نظامی است که در واقع حاوی آرا و اندیشه‌های وی در عنفوان جوانی است و می‌توان آن را تراوش ذهن و فکر و عقیده وی دانست اما دیگر تالیفات او را باید بر ساخته‌ای دانست که بیشتر به نظم کشیدن داستان است تا اینکه بخواهد آرا و اندیشه‌های وی را بیان کند.

نظامی در اوان جوانی و در حالی که حدود سی سال داشت کتابی تالیف‌حقیقه الحقیقه سنایی تالیف کرد به این امید که زبان زد عام و خاص شود و در این راه شیوه زهد و تعلیم را پیشه کرد و آن را مخزن‌الاسرار نام نهاد که حاوی مطالب پند آمیزی بود که وی لازم می‌دید در آن زمان متذکر شود. علاقه وی به زهد و گوشه نشینی در این دوران هم می‌توانست از عوامل دیگر باشد که وی را به سمت چنین کتابی رهنمون شود.

وی در این کتاب می‌خواهد متاعی نو به بازار سخن عرضه کند و آن را شعبده‌ای نو نام می‌نهد. از این رو این منظومه مثنوی تعلیمی شامل اندیشه‌های انتزاعی و داستان‌های موعظه آمیز بود و با وجود تفاوت بارزی که در وزن و سبک و شیوه بیان با منظومه حدیقه الحقیقه داشت یادآور این اثر معروف سنایی و شاعر و حکیم متاله غزنه عهد بهرامشاه بود. (زرین کوب، ۱۳۷۴، ص ۳۷) وی سعی دارد این کتاب آرمان‌ها و آرزوهای خود در تحقق یک جامعه عاری از هر گونه فساد و بی‌عدالتی را ترسیم کند بنابراین سخنان او در شیوه تحقیق ... غیر از تعزیر حکمت موعظه متضمن نقد جامعه فساد آلود عصری و جستجوی جامعه آرمانی و خالی از هر گونه عیب و فساد نیز هست. بدینگونه از همان اولین مقالات مخزن شاعر خود را طالب نوعی ناکجا آباد -مدینه فاضله- نشان می‌دهد. (همان، ص ۴۲) مخزن‌الاسرار حاوی اندیشه‌های نظامی است که می‌توان آن را کتابی صرفاً اخلاقی که انسان محور و مدار آن است معرفی کرد. این کتاب در چند تحمیدیه و سخنی چند درباره اعتبار سخن و شرح سیر و سلوک خویش و بیست مقاله بنیان نهاده شده است و مبین اندیشه‌های نظامی است.

مخزن‌الاسرار پژواک غریب و پرتنطنه‌ای از این حدیقه سنایی بود و بحر سریع آن هم که آهنگ تازه‌ای به شعر شاعر گنج می‌داد آرا از بحر خفیف جانی از طنطنه و حتی عاری از مثنوی حدیقه، ... به نحو جالبی متمایز می‌ساخت. در مرتبه خود شاهکاری در شیوه تحقیق و بنای استواری در زمینه شعر تعلیمی بود.

درباره ابهام در مخزن‌الاسرار:

از همان ابتدا نظامی تکلیف را مشخص می‌کند و بیان می‌دارد که سخنی دگرگون خواهد آورد.

چون فلک از پای نباید نشست تا سخنی چون فلک آری بدست

به که سخن دیر پسند آوری تا سخن از دست بلند آوری

(نظامی، ص ۲۹)

بنابراین تمام سعی وی بر این است که نشان دهد شیوه غریب در پیش گرفته است.

شعبده‌ای تازه بر انگیختم هیکلی از قالب نو ریختم

(همانجا)

و در این قالب نو عاریت کسی را نپذیرفته است.

عاریت کس نپذیرفته‌ام هیکلی از قالب نو ریختم

(همانجا)

نظامی برای سخن ارزش و اهمیت ویژه‌ای قایل است و سخن را بالاتر از همه چیز می‌داند.

جنبش اول که قلم برگرفت حرف تحسین زسخن در گرفت
(همانجا)

پرده خلوت چو برانداختند/ جلوت اول به سخن ساختند

بی سخن آوازه عالم نبود این همه گفتند و سخن کم نبود
(نظامی، ص ۳۱)

و سخن خود را دری از بحر نو می داند:

نامه دو آمد زدو ناموسگاه هر دو مسجل به دو بهرام شاه
(نظامی، ص ۲۹)

آن زری از کان کهن ریخته وین دری از بحر نو انگیخته
(همان، ص ۲۹)

و همه در مقابل او تسلیم می شوند:

تیغ ز الماس زبان ساختم تیغ نظامی که سرانداز شد
گرچه خود این پایه بی همهی است اوج بلند است در او می پررم
هر که پس آمد سرش انداختم کند نشد گرچه کهن ساز شد
پای مرا هم سر بالاتری است باشد کز همت خود برخوردارم
(همان، ص ۳۰)

از این رو افراط در نوآوری و آنچه شیوه غریب می نماید که نتیجه توجه به حکمت و ادب عصر بود و توجه به شیوه تحقیق که مورد پسند اهل زمانه اش بود شعر وی را در خم استعارات غریب و تعبیرات بی سابقه به تعقید و ابهام کشاند و فهم دقیق پاره‌ای از معانی و اغراض وی را دشوار ساخت. نظامی به این شیوه خود می نازید و آن را وسیله‌ای برای رهایی از ابتذال محیط تلقی می کرد.

کاین رسته پر از نقش باغ عاریت افروز نشد چون چراغ
شیوه غریب است مشو نامجیب گر بنوازش نباشد غریب
(همان، ص ۳۰)

همچنین عزلت جویی او را نازک خیال و باریک اندیش کرده بود. طرز دید او به شعرش حال و هوای یک هنر غیر عادی می داد. همه چیز در نظر او از ورای پرده‌ای از ابهام روی می نمود. زبان و ذهن تصویر ساز او به آنها رنگ و حیات می داد به گونه‌ای که وی به این اعتقاد رسیده بود که:

هر چه وجود است زنو تا کهن فتنه شود بر من جادو سخن
صنعت من برده زجادو شکیب سحر من افسون ملایک فریب
(همان، ص ۳۵)

بنابراین سخن او را به پیچیدگی تا سرحد معما نزدیک می کرد و مورد پسند معاصرانش نبود. ولی این شیوه مورد پسند خود شاعر بود.

شعر سبک آذربایجانی، از نظر فکر فاضل نمایی و اشاره علوم مختلف، تلمیحات گوناگون از جمله به آداب و رسوم مسیحیت، اشاره به فولکلور و عقاید عامیانه از جمله طب و نجوم و جانور شناسی عامیانه مطرح است به نحوی که شعر این مکتب غالباً محتاج به شرح و تفسیر است. (شمیسا، ۱۳۸۳، ص ۴۳) پس یکی از دلایل عمده ابهام در شعر مکتب آذربایجانی و بویژه نظامی و خاقانی همین مسئله است و توجه ویژه این دو شاعر به این مسائل. ابوهلال عسکری شعر فاقد ابهام را پست و نازل دانسته است. (امامی، ۱۳۹۰، ص ۹) بنابراین «هر کلمه، اصطلاح،

عبارت، جمله یا متنی که در هنگام مطالعه به درستی و با قطعیت فهمیده نشود و ذهن مخاطب را به بی معنایی، چند معنایی یا به معنایی نامتعارف و یا فراتر از صورت آشنا و معمول خود دلالت دهد، از مصادیق ابهام محسوب می‌شود. (شیری، ۱۳۹۱، ص ۱۲) این تعریف تعقید را هم در خود جای داده است که به معنی جمله‌ای که معنی آن پیچیده و فهم آن دشوار باشد و دارای دو قسم لفظی: که دشواری و پیچیدگی معنی جمله از جهت تقدیم و تأخیر یا حذف کلمات باشد و تعقید معنوی که فهم اصل مقصود و مضمون جمله از جهت استعمال کنایات و مجازات و تخیلات دور از ذهن دشوار باشد. (همایی، ۱۳۸۳، صص ۱۹-۱۸) و همچنین به معنی «اختلال در نظم کلام و اشکال در ساختارهای آشنا و متعارف نحوی است.» (فتوحی، ص ۲۰) همانگونه که در تعریف اولی مشخص است می‌توان تعقید معنوی را از انحصار تعقید خارج و نوعی ابهام شمرده که امروزه پسندیده است. بنابراین تعقید موجب دشواری کلام و نامفهوم شدن آن و مذموم است اما ابهام نوعی از دشوار است که باعث می‌شوند خواننده متن را به گونه‌ای متفاوت بخواند که نتیجه دیده متفاوت نویسنده و سپس دیده متفاوت خواننده است. تا جایی که جرجانی «تعقید را غموض سلبی می‌داند ... و غموض در معنای مثبت را آن می‌داند که لفظ یا عبارتی دارای بیش از یک معنا و به عبارت دیگر، دارای معنایی ثانوی باشد. از نظر او، اگر معنای ثانوی در اثر دیرپای باشد و درک آن پس از تلاش و تأمل در متن به دست آید ارزش ادبی متن بیشتر خواهد شد.» (جرجانی، ۱۳۶۶، ص ۸۵) و جلوه‌ای ابهام را در معنای مثبت و هنری بیشتر در مجاز، کنایه، استعاره و تشبیه می‌داند. بنابراین ابهام در شعر ایجاد معانی متفاوت می‌کند و «زمانی که بپذیریم که کلمه یا کلام یک معنای حقیقی و قطعی ندارد و معنی کلمه در بافت‌های مختلف فرق می‌کند ناگزیر باید ابهام در معنی را بپذیریم.» (فتوحی، ۱۳۸۶، ص ۳۰)

بدین رو «به رسمیت شناختن اهمیت بافت و انکار معنی واحد برای کلمه و عناصر کلام موجب می‌شود که در نظام جمال شناسیک مدرن، ابهام از محاسن کلام شمرده شود.» (همانجا) بنابراین ابهام در کلمه و در جمله به وجود می‌آید و سعی دارد معنایی جدید را القا کند و «ابهام عبارت است از هر تمایز جزئی زبانی و لو ناچیز که زمینه را برای واکنش‌های متفاوت به یک قطعه زبانی فراهم می‌کند.» (امپسون، ۱۹۴۹، ص ۱) ابهام تلاش دارد که ذهن خواننده را به تکاپو وادارد تا بتواند با شرکت دادن خواننده در اثر، معنایی متفاوتی به اثر بدهد و «ابهام با شرکت دادن خواننده در آفرینش معنا نوعی تعامل میان خواننده و متن ایجاد می‌کند و از آنجا که خوانندگان را در طول تاریخ به واکنش وادار می‌دارد، پیوسته امکان گفت و گوی مثل‌های مختلف با متن فراهم می‌آید.» (فتوحی، ۱۳۸۷، ص ۱۷)

ابهام آگاهانه

ابهام به معنای آنچه در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته مورد پسند اهل فن و ادبیات است «اگر از منظر پیش آگاهی و قصد و نیت نویسنده به ارزیابی موضوع پرداخته شود، ابهام به دو دسته تقسیم می‌شود: ابهام تعمودی و ابهام طبیعی.» (فتوحی، ۱۳۸۷، ص ۱۷)

ابهام تعمودی به دلیل محدودیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و یا با نوعی پیچیده گویی خود خواسته می‌خواهد مخاطبان اندیشمند و جستجوگر را در هر زمان و مکان به جانب نوشته‌های خود جذب کند و ذهنیت آن‌ها را به چالش و پویایی بیشتر بکشانند. (شیری، ۱۳۹۱، ص ۳۱) بنابراین ابهام آگاهانه کاری است که از سوی شاعر و نویسنده در متن اعمال می‌شود و نویسنده سعی می‌کند با منحرف کردن ذهن خواننده مفاهیم جدیدی را به مخاطب ارائه دهد.

ابهام در لغت به معنای پیچیدگی، پوشیدگی، پوشیده گفتن، پوشیده گذاشتن، پنهان، تاریک، ناشناس، مجهول و مطلق و بی قید رها کردن چیزی است. (دهخدا،) به همین دلیل ابهام از راه‌های گوناگونی ایجاد می‌شود که برخی موانع ابهام، توجیه یا محتمل‌الضدین و ... نیز جزو ابهام محسوب می‌شود.

شاعر سعی می‌کند در اشعارش از ترفندی استفاده کند که خواننده را وادار سازد که به تمن و شعر او توجه

بیشتری بکند و مفاهیم را در معانی و شیوه‌های گوناگون قرار می‌دهد و ذهن خواننده را از معانی ظاهر واژگان منحرف می‌کند.

ابهام یا تعقید:

ابهام در کلام از شیوه‌های پسندیده امروزی است که در آثار اولیه فارسی پسندیده نبوده است اما در شعر مکتب آذربایجان بر خلاف دیگر سبک‌های پذیرفتنی و ایجاد شده توسط شاعر است و شاعر تلاش می‌کند که هر چه بیشتر شعرش دیرپسند و دیریاب باشد و در حقیقت شعر از دست بلند باشد. در منابع اسلامی قدیم ابهام پذیرفتنی نیست و منفی تلقی می‌شود اما اولین شخصی که از ابهام نام برده است سیبویه است که از آن بعنوان لبث یاد می‌کند که یک لفظ یا تعبیر، متحمل بیش از یک معنا یا دلالت باشد و همین نکته سبب ابهام شود. (امامی، ۱۳۹۰، ۸)

بنابراین توجه به ابهام توسط شاعر یا نویسنده بدین منظور شکل می‌گیرد که آفرینشی جدید در اثر شکل گیرد و خواننده توجه خود را به قطعیت معنی و الفاظ ظاهری معطوف ندارد لذا «کلمه و عناصر کلام موجب می‌شود که در نظام جمال شناسیک مدرن، ابهام از محاسن کلام شمرده شود» (فتوحی، ۱۳۸۶، ص ۳۰) و تفاوتی اساسی با تعقید داشته باشد. بنابراین باید تفاوتی بین تعقید و ابهام پسندیده قایل شویم و آن اینکه، تعقید را باید در سطح قواعد نحوی و دستوری و اشکالات ایجاد شده در ساخت دستور زبان داشت و ابهام-پسندیده- را گذر از معنی لغوی و یافتن معنایی جدید و مناسب در سپر لایه‌های لفظی و استفاده شاعر از بیان و بدیع دانست.

شیوه‌های ایجاد ابهام آگاهانه:

ابهام همانگونه که قبلاً اشاره شد- اگر آگاهانه و پسندیده باشد- توسط شاعر و گذر از معنای ظاهری آشکار می‌شود و باید «سرچشمه ابهام‌های ناب هنری را در قلمرو معانی جست نه در صورت... که این ابهام برحسب کرانمندی و بی‌کرانگی معانی متفاوت است.» (فتوحی، ۱۳۸۷، ص ۳۱)

شاعران ممتاز سعی دارند که اشعارشان را به گونه‌ای متفاوت از آنچه دیگر شاعران، بیان داشته‌اند، عرضه کنند. و شاعران سبک آذربایجانی خود به این موضوع واقف‌اند و تمام توان خود را به کار می‌بندند که شیوه‌ای جدید بنیان بگذارند. از استاد شاعران این سبک ابوالعلا گنجوی تا خاقانی و نظامی که سر آمدن این حوزه هستند: شیوه بیان نسبتاً نزدیک و پر طمطراق و دور از شیوه‌ی شعری ما قبل خود دارند.

نظامی آگاهانه تلاش می‌کند تا اشعاری از (دست بلند) آورد و (هیکلی از قالب نو) شکل دهد. تا جایی که عقیده دارد اگر آنچه را کرایندا به تو الهام می‌شود نپذیرد، بهتر از آن نصیب تو خواهد شد.

باید به این نکته دقت کرد که شاید یکی از برترین فرمالیست در زبان فارسی و شاعران فارسی زبان، شاعران سبک آذربایجانی باشد که مانند فرمالیست‌ها عقیده داشتند تکیه باید بر فرم باشد نه محتوا و همانگونه که فرمالیست‌ها عدول از هنجار را تغییر شکل در زبان عادی و صناعات ادبی که باعث آشنایی زدایی می‌شد می‌دانستند آنان نیز سعی داشتند با تغییر شیوه‌ی خود در زبان شعر و استفاده از صناعات ادبی، به چگونگی گفتن برسند (شمیسا، ۱۳۸۳، صص ۱۵۰-۱۴۷) و چگونگی گفتن در اشعار نظامی و خاقانی به خوبی مشهود است همانگونه که داستان‌های کوتاه خسرو و شیرین و به خصوص لیلی و مجنون نظامی بدان شیوه‌ی خاص و با تصاویری نامکرر از نظامی سروده شد و پیروان متعددی این سبک و شیوه را یافت.

بنابراین آنچه چند معنایی نامیده می‌شود که موجب توسعه زبان و آسان شدن بیان که در آن افراط شود خاصیتی وارونه پیدا می‌کند و باعث اختلال در ارتباط می‌شود (خانلری، ۱۳۶۱، ص ۲۲۴ به نقل از شیرینی، ص ۱۴) توسط شاعران سبک آذربایجان به خوبی به مرحله اجرا در آمده است. بنابراین شیوه‌ها و روش‌هایی برای ایجاد ابهام از سوی محققان پیشنهاد شده است مثلاً دکتر فرشید ورد هفت نوع ابهام را برشمرده‌اند که عبارت‌اند از:

ابهام رفتاری و کنایی: یعنی ابهامی که نویسنده و شاعر نمی‌تواند به صراحت عقاید خود را بیان کند و در نتیجه ناچار است یا آن را در پرده‌ای از استعاره و کنایه و مجاز بپوشاند مانند اشعار عرفانی قدیم... یا سخنور این گونه افکار را به وسیله حکایت رمزی و تمثیلی بیان می‌کند.

از اقسام ابهام شاعرانه آوردن تشبیهات لطیف و در عین حال مبهم است. که سبب زیبایی شعر می‌شود. دیگر از عوامل ابهام بیان مطلب تازه علمی و فلسفی و عرفانی است که محتاج به تحصیلات خاصی است که می‌توان آن را ابهام فنی نامید که این نوع ابهام در شعر انوری خاقانی، نظامی اشکار است. دیگر از عوامل ابهام بعضی از صنایع شعری و آرایش‌های ادبی است - مانند ابهام، ابهام تناسب، ابهام تضاد، دو معنایی، تشبیهات و استعارات متراکم و ...

دیگر از عوامل ابهام به کار بردن زبان کهن و لغات و ساختمان‌های دستوری منسوخ است... این نوع ابهام را می‌توان ابهام کهن گرایانه نامید.

دیگر از عوامل ابهام به هم ریختن ساختمان دستوری است بر اثر ابتکار شاعر یا در نتیجه تقلید اوست. دیگر از علل ابهام به کار بردن عناصر تیره زبان است یعنی عناصری که فاقد معنی شفاف اند. مثلاً عناصری که دارای چند معنی رایج اند. (فرشیدورد، ۱۳۸۲، ص ۶۹۰) اما امپسون هم در کتاب هفت ابهام، هفت روش برای ایجاد ابهام در کلام نام می‌برد که عبارت اند از:

اولین نوع ابهام زمانی بوجود می‌آید که یک نکته همزمان به چند مورد اشاره داشته باشد مثلاً بواسطه مقایسه با چند مورد شباهت، تضاد نظری با چند نکته متفاوت. (امپسون، ۱۹۴۹، ص ۲۲)

دومین نوع ابهام ناشی از حالتی است که دو یا چند معنی قابل جایگزینی در هم ادغام شوند. (همان، ص ۵۸) شرط ایجاد ابهام نوع سوم این است که دو مفهوم ظاهراً نامربوط همزمان یکجا ارایه شود. (همان، ص ۱۱۱) در چهارمین نوع ابهام، مفاهیم جایگزین در هم ادغام می‌شوند و حالت پیچیده ذهنی موجود در ذهن نویسنده را روشن می‌نمایند. (همان، ص ۱۴۵)

نوع پنجم سردرگمی (ابهامی) خوش یمن است مانند زمانی که نویسنده اندیشه‌های خود را ضمن نوشتن کشف می‌کند یا زمانی که تمام آن افکار را یکجا در ذهن خود می‌آورد. (همان، ص ۱۶۳) در ششمین نوع ابهام، مطلب اظهار شده متضاد یا نامربوط است و خواننده باید تعبیر لازم را خود انجام دهد. (همان، ص ۱۸۳)

هفتمین نوع ابهام در بردارنده تضاد کامل است که حاکی از پراکندگی / اغتشاش در افکار نویسنده است (حاکی از مشوش بودن افکار نویسنده است). با استناد به نظریات فروید.

شیوه‌های دیگری نیز برای ایجاد ابهام وجود دارد که علاوه بر استفاده از صناعات ادبی و ... بعضی ماقع ابهام به دلیل تصور نویسنده از اینکه مخاطب در مورد مطلب اطلاعات لازم را وارد برای پرهیز از تکرار و اکتفا به اختصار و گاه نیز به خاطر شهرت و شناخته شدگی آن را به اشاره بازگو می‌کند. (همان، ص ۱۹۸)

شیوه‌های دیگری نیز برای ایجاد ابهام وجود دارد که علاوه بر استفاده از صناعات ادبی و ... « بعضی مواقع ابهام به دلیل تصور نویسنده از اینکه مخاطب در مورد مطلب اطلاعات لازم را دارد برای پرهیز از تکرار و اکتفا به اختصار و گاه نیز به خاطر شهرت و شناخته شدگی، آن را به اشاره بازگو می‌کند. » (شیری، ص ۴۱)

بنابراین نظامی که آگاهانه در اشعارش ابهام ایجاد می‌کند نیز روش‌هایی برای انجام این کار دارد که می‌توان یکی از دلایل آن را روحیه‌های بدبین و درون‌گرا و حجب‌آلود که معمولاً در هنگام خرق آثار هنری تا تامل و تعمق ورزی عمل می‌کنند و در طولانی در تولید آثار هنری، معمولاً عمق و ابهام بیشتری به آن‌ها می‌بخشد و یکی از عوامل پیچیدگی کلام سنایی، نظامی و خاقانی و حافظ از همین موضوع نشأت گرفته است. (همان، ص ۳۴)

از این رو عواملی هم چون آشفته‌گی اوضاع سیاسی و اجتماعی و پناه بردن شاعر به خلوت خویش و

عزالت‌گزینی و گرایش روز افزون شعرا به اندیشه‌های صوفیانه در تحول صوری و معنوی شعر موثر است و بنابراین شاعران سده ششم به کاربرد استعارات و کنایات و شوق یافتن شاعران به ذهنیت‌گرایی را سبب شده است. (حمیدیان، ۱۳۷۳، صص ۹-۸)

تا جایی که «زبان مجازی باعث تجلی کدر و مبهم معانی می‌شود و به ابهام یا چندلایگی معنا دار اثر ادبی می‌انجامد. این نوع ابهام در نظریه‌های ادبی مدرن بسیار پسندیده و ستوده است.» (فتوحی، بی‌تا، ص ۱۱۲) حتی گاهی « وزن با ایجاد ضرب آهنگ خاص در کلام شاعر موجبات ابهام را فراهم می‌کند، نمونه‌هایی از این مورد را در کاربرد هنجار‌گريزانه نظامی گنجه‌ای در وزن برگزیده او برای مخزن الاسرار مشاهده می‌کرد که از دیر زمان موجب ابهام و احتمال‌هایی بوده است.» (امامی، ۱۳۹۰، ص ۱۱)

اگر وظیفه شاعر آنگونه که شکوفسکی اعتقاد دارد از میان بردن نیروی عادت باشد. (احمدی، ص ۴۸) نظامی به خوبی از عهده این کار بر آمده است و آنگونه که خودش نیز اعتقاد دارد:

هر چه خلاف آمد عادت بود قافله سالار سعادت بود
(نظامی، ص ۲۹)

رمانتیک‌ها نیز در مورد ابهام مطالبی بیان کرده اند و آن را «سرگردانی میان دو معنی که نمی‌توان یکی از آن‌ها را رد کرد یا میانشان آشتی برقرار کرد» (فتوحی، ۱۳۸۷، ص ۹) می‌دانند. همچنین بین ابهام و ایهام باید فرق گذاشت چون «ابهام به عدم قطعیت و تعلیق معنی می‌انجامد اما در ایهام معنی نزدیک بر معنی دور ترجیح دارد.» (همان، ص ۵)

تصویر مبهم:

برخی از تصاویری که نظامی ایجاد می‌کند به سختی می‌توان درک درستی از آن‌ها داشت و سخت می‌توان چنین تصویری در ذهن داشت:

مانند:

دید دهی چون دل دشمن ضراب

شاه در آن ناحیت صید یاب

وزن در شه قافیه شان تنگتر

تنگ دو مرغ آمده در یکدگر

(نظامی، ص ۵۶)

مشک فشان بر ورق مشک بید

زلف سیه بر سر سیم سپید

قوس و قزح شد زتقافتاب

غیب سیمین که کمر بست از آب

(همان، ص ۴۶)

برجگر خوش تمکان آب زن

آتش مرغ سحر از بایزن

پای فلک بسته تر از دست ماه

مرغ گران خواب از صبحگاه

زلف پری حلقه دیوانگان

حلقه در پرده بیگانگان

تنگ تر از حلقه انگشتری

در خم آن حلقه دل شتری

(همان، ص ۴۵)

تصاویری که توسط نظامی در این ابیات به عنوان نمونه ذکر شد، تصاویر دور از ذهن و دیرباب اند، مثلاً پای فلکی که از دست ماه بسته است نمونه‌ای از تصاویر ایجاد شده توسط وی است و این تصاویر ذهن خواننده را به تکاپو وامی‌دارد که برابر فلک و ماه در ضمن ساختن دست و پایی فرضی و شاعرانه، بسته بودن آن را نیز متصور شود.

ابهام به سبب استفاده از صناعات ادبی:

شاید مهم‌ترین نوع ابهام، ابهام ایجاد شده به وسیله صناعات ادبی است که در سبک آذربایجانی و اشعار نظامی نمود بیشتری هم دارد. وی سعی می‌کند هر جا که امکانش وجود داشته باشد به آوردن صناعات ادبی متعدد اقدام کند و به قولی از استعارات متراکم و همراه کردن چند صنعت بدیعی استفاده کند.
مانند:

نخل زبان را رطب نوش داد / در سخن را صدف گوش داد

(همان، ص ۱۱)

شحنه شب خون عسس ریخته / بر شکر پر مگس ریخته

(همان، ص ۴۴)

لب طبری وار طبرخون به دست / مغز طبرزد به طبرخون شکست

سرخ گلی سبز تر از نی شکر / خشک نباتی هم جلاب تر

خاک چو عودش که جگر سوز بود / غالیه صامی صدف روز بود

از غم آن دانه خال سیاه / جمله تن خال شده روی ماه

جزع زخورشید جگر سوزتر / لعل زمهتاب شب افروزتر

(همان، ص ۴۳)

با کفش این چشمه سیماب ریز / خوانده چو سیماب گریزا گریز

خنده زنان از کمرش لعل ناب / برکمر لعل کش آفتاب

آفت این پنجره را جورد / پنجه در او زد که بدو پنجه کرد

(همان، ص ۴۳)

دانشگاه هرمزگان

انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

یا:

مدتی از نیل خم آسمان / نیلگیری کرد به هندوستان

چون کفش از نیل فلک شسته شد / نیل گیاه در قدمش رسته شد

ترک خیالی شده بینی چوه ماه / زلف خطا برزده زیر کلاه

(همان، ص ۵۱)

هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

همچنین:

شب شد روز اینت نهاری شگرف / گل شده سر اینت بهاری شگرف

زان گل وزان نرگس کان باغ داشت / نرگس او سرمه ما زاغ داشت

(همان، ص ۱۸)

www.anjomanfarsi.ir

استفاده از علوم و معلومات روز

توجه به علوم متداول روزگاری از عناصری که در شعر شاعران نمود یافته است اما «عصر نظامی و خاقانی، عصر توجه هر چه بیشتر با عناصر روساختی شعر و دوره بهره‌گیری از تمام امکان و توان زبان و ادب فارسی و کلیه دستاوردهای علم و فکر و فرهنگ در راه خلق مضامین و شیوه‌های بیانی تازه و کشف روابط شاعرانه جدید در میان همه پدیدارهای خلقت است.» (حمیدیان، ۱۳۷۳، ص ۱۳)

مانند:

گوش دو ماهی زبرو زیر تو / شد صدف گوهر شمشیر تو

(همان، ص ۲۷)

گاو فلک برد زگاو زمین
از طرطان تاج زجوزا کمر
سنبله را بر اسد انداخته
زهره شب سنج ترازو به دست
زانکه به مقدار ترازو نبود
(همان، ص ۱۷)

گوهر شب را به شب عنبرین
اوستده پیش کش آن سفر
خوشه کز و سنبل تر ساخته
تا شب او را چه قدر هست
سنگ ورا کرده ترازو سجود

یا:

خمر طینت شرف خاک او
هم کمک و هم زر هم صیرفی
نو خط فردآینه خاکیان
مغز دو گوهر به هم آمیخته
(همان، ص ۴۹)

علم آدم صفت پاک او
آن به گهر هم کدر وهم صفی
شاهد نو فتنه اندر کیان
آن زد و گهواره برانگیخته

ابهام به دلیل تغییر ساختار نحوی:

در بسیاری از موارد این نوع ابهام را تعقید به شمار می‌آورند:

طاقت عشق از کشش نام تو
(نظامی، ص ۲۹)

رفتی اگر نامدی آرام تو

ابهام به دلیل پیچیدگی ذهنی نظامی:

طوق زدال و کمر از میم داد
دایره دولت و خط کمال
(همان، ص ۱۶)

حلقه حی را کالف اقلیم داد
لاجرم او یافت از میم و دال

مقتمین همایش پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی

آب زده آتش سودای او
گشته زسر تا قدم انفاس گون
(همان، ص ۳۶)

خاک شده باد مسیحای او
شربت رنجور یکی طاس خون

www.anjomanfarsi.ir

استفاده از تشبیهات خاص (طرد و عکس):

لعل فشان بر سر در یتیم
آتش دل چون دل آتش فروخت
عود شکر ساز و شکر عود سوز
شمع به دستار چه زر می‌فشانند
(همان، ص ۴۵)

پای سهیل از سر نطع ادیم
شمع جگر چون جگر شمع سوخت
در طبق مجمر مجلس فروز
شیشه زگلاب شکر می‌فشانند

نتیجه‌گیری:

ابهام و تعقید هر چند مرزی نه چندان روشن دارند: اما گاه می‌توان میان آن دو فرق گذاشت و تعریف نه چندان دقیق از هر دوی آن‌ها به دست داد. ابهام را می‌توان بیشتر نتیجه توجه شاعر به صناعات ادبی و بیان و بدیع دانست و تعقید را نتیجه ساختار نحوی جمله.

نظامی از شاعرانی که در اشعارش به ابیاتی بر می‌خوریم که دارای ابهام اند و کوشش ذهنی فراوانی نیاز دارد که به تحلیل این ابیات و درک مفهوم آن‌ها برسیم و این ابهام همانگونه که شاعر اشاره کرده است نتیجه آوردن شعر از دست بلند و دیر پسند است که شعر نظامی را دچار پیچیدگی خاص آگاهانه کرده است.

ابهام در اشعار نظامی را می‌توان حاصل توجه بیش از حد او به بیان و صناعات ادبی و همچنین آوردن علوم و آداب و عقاید خاص زمانه که نیز به مطالعه داشته و هر شخص عادی از آن فضیلت آگاهی نداشته است، دانست. همچنین استفاده کردن از این صناعات و علوم و عقاید برای ایجاد تصاویری مبهم و دیرپاب از دیگر روش‌های ایجاد ابهام در اشعار نظامی است. بنابراین وی سعی می‌کند شعرش را در هاله‌ای از ابهام قرار دهد و ذهن خواننده را برای درک آن به تکاپو وادارد تا جایی که ابهام ذاتی اشعار نظامی بویژه در مخزن‌الاسرار می‌شود.

پی‌نوشت:

The first type of ambiguity arise when a detaile is effective in several ways at once, e.g by comparisons with several points of likeness, antitheses with several points of difference.(P.۲۲)

In second type ambiguities two or more alternative meanings are fully resovled into one.(P.۵۸)

The condition for third type ambiguity is that two apparantly on connected meaning are given simultaneously.(P.۱۱۱)

In the fourth type alternative meanings combine to make clear complicated state of mind in the author.(P.۱۴۵)

The fifth type is a fortunate confusing, as when the auther. Is this covering his idea in the act of writting or not holding it all in mind ot once.(P.۱۶۳)

In the sixth type what is said is cuntradictory or irrelevant and the reader is forced to invent interpratation.(P.۱۸۳)

The seventh type is that of full contradiction, marking a division in the others mind. Freud invoked.(P.۱۹۸)

فهرست منابع:

کتاب

امین پور، قیصر، *سنت و نوآوری در شعر معاصر...*، جرجانی، عبدالقادر (۱۳۶۸)، *دلایل الاعجاز فی القرآن*، ترجمه و تصحیح دکتر سید محمد رادمنش، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

حمیدیان، سعید (۱۳۷۳)، *آرمان شهر زیبایی*، تهران: نشر قطره.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۴)، *پیرگنجه در جستجوی ناکجا آباد*، چاپ دوم، تهران: انتشارات سخن.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۳)، *نقد ادبی*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۲)، *سبک شناسی شعر*، چاپ نهم، تهران: انتشارات فردوس.

شیری، قهرمان (۱۳۹۱)، *ابهام، فریاد ناتمام*، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا همدان.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۲)، *تاریخ ادبیات در ایران*، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات فردوس.

فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۸۶)، *بلاغت تصویر*، تهران: انتشارات سخن.

فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲)، *درباره ادبیات و نقد ادبی*، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.

نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۳)، *گزیده مخزن‌الاسرار*، تصحیح عبدالمحمد آیتی، چاپ دهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

_____ (۱۳۸۴)، پنج گنج، چاپ نهم، تهران: انتشارات امیر کبیر.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۳)، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، چاپ بیست و دوم، تهران: موسسه نشر هما.
Empson, willam, Seven types of ambiguity, ۱۹۴۹, London, chatto and wivdus.

مقالات

امامی، نصر الله (۱۳۹۰)، *خواستگاه هنری ابهام و گونه‌های آن*، مندرج در: فصلنامه نقد ادبی، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۷-۲۲.

فتوحی، محمود (۱۳۸۷)، *ارزش ادبی ابهام از دو معنایی تا چند لایگی معنا*، مندرج در: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. _____ (بی تا)، *ساخت شکنی بلاغی نقش صناعات بلاغی در شکست و بازسازی متن*، مندرج در: مجله نقد ادبی، سال اول، شماره ۳.

محمدی، علی (۱۳۸۷)، *ابهام در شعر فارسی*، مندرج در: رخسار اندیشه، به کوشش ابراهیم خدایار، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، صص ۵۶۱-۵۸۲.



دانشگاه هرمزگان



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

www.anjomanfarsi.ir